



۶۵۸

دفاعیاتِ تقی ارانی در بیدادگاه رضاخانی

ویژه صدمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی

xalvat.com



بنیادگذار دکتر تقی ارانی



دکتر تقی ارانی

(۱۳۱۸-۱۲۸۲)

فرستندهء صفحاتِ این شماره ، نخواست که از او نامی برده شود .

xalvat.com

دکتر ارانی شش ساعت ونیم در دادگاه صحبت کرد - دوست و دشمن را بهت فرا گرفتند بود آرائنها و رؤسای شهربانی با دهن باز بسوا و نگاه میکردند دکتر با شهادت مخصوص خسود تصویب قانون ۱۳۱۵ داکتر بر تهدید پد آزادی عقاید را تقبیح و آنرا توهین بملت ایران دانسته و به نام قانون سیاه میخوانند و میگویند " فقط آن قانون مقدس است که حافظینافع توده باشد " و باز میگویند ، " چقدر برای یک جامعه سنگین است که طرفداری از رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن ، اینقدر سخت مجازات میشود .

دفاع

قبلا اهمیت تاریخی این محکمه را تذکر میدهم برای اولین بار است که یکدسته پنجاه و چند نفری از منورالفکر و کارگر با سواد ایران یعنی افرادی که با چراغ در این محیط تاریک بایستی جستجو شوند ، در محکمه جنائی یعنی محلی که دزدان مسلح و قبیح الطریق و قاتل ها در اینجا محاکمه میشوند، بعنوان داشتن یک عقیده اجتماعی، به پیشگاه قوه قضائی دعوت شده اند، اهمیت آن بعدی است که مانند تمام محاکمات اخیر (۱) چشم و گوش دنیا متوجه آنست. بنا بر این سعی بفرمائید که رفتار شما در این محاکمه دنیا پسند باشد و تصور نکنید که با صدور رای و گزارش آن مقامات مافوق (۲) این محکمه تمام میشود. نه. آن ادها نامه، این دفاع و آن رای هر سه تاریخی میباشد و مانند آثار محاکمات قرن هیجدهم فرانسه، محاکمه معروف کلنی، محاکمه بیست و شش نفر و پنجاه و سه نفر (۳) همیشه در صفحات تاریخ ایران باقی خواهد ماند و وظیفه من در این جا مهم تر از آنست که بدفاع شخص خود بپردازم من وظیفه عالی و وجدانی دفاع جمعی را اخلاقاً بر عهده دارم. - اگر چه اینجا ظاهراً محکمه جنائی است ولی باطناً علاوه بر جلسه درس، یک میدان مبارزه اجتماعی است که سه طرف یعنی یک مدعی و یک مدعی علیه و یک قاضی بیطرف نداشته بلکه فقط دارای دو طرف است که در یک طرف آن قاضی و مدعی دولتی با هم و در

۱- محاکمه حریق رایشناک در آلمان و محاکمه را کور و فوره در بارساگان

۲- مسوول رای محاکمه در شهربانی صادر میشد.

۳- در این محاکمه برای اولین بار باصلاح قانون بر طبقه طبقات ستدیده اقدام شد.

دفاعات تقی ارانی - شماره اعلام دارد - ۶۰

صرف دیگر آن، ما - هر يك مدافع منافع يك دسته مخصوصی میباشیم . کدام ما حق داریم ؟ تاریخ نشان خواهد داد ! من همتا قدری که میترسم این وظیفه اخلاقی خود را ناقص انجام دهم بیم ندارم از اینکه حقایق را کماهو حقه بگویم . شما هم از فشار ترسید ولی ترسید از این که مخالف وجدان خود رای دهید فقط از فشار وجدان و قدرت ملت که متوجه این گوشه است هراسان باشید. محتویات محکمه امروز نافذ تر از آنست که داخل این دیوارها محصور بمانند بلکه آنها را شکافته بدینا خواهد رسید . پس شما را هم دعوت میکنیم که دیوارهای این محکمه تک را شکافته از این محیط کوچک خارج شده وبا نظریس عمیق تر و بسیط تری از بالا بقضایا کنید . پس مقتضی است اولاً بقوه مقننه و با مقامی که مجازات را تعیین میکند، ثانیاً بیرونده ها و قوه مجریه، ثالثاً بقوه قضائی یعنی خودتان، رابعاً به متهمین یعنی ما که قوه ملی هستیم توجه کنید

خالوات.com قانون و قوه مقننه

در هر علم همیشه و قبل از بحث بایستی ابتدا مدرج و اسباب اندازه گیری را مورد دقت قرار داد تا آنکه هویت و درجه دقت اسباب بدست آمده میزان و درجه وسعت نتیجه سنجش معلوم شود مثلاً بایستی معلوم گردد که فلان ترازوی حساس با مانو متر یا میکرو متر تا چند هزارم واحد مقیاس را میتواند تعیین کند. آنوقت میتوان این اسبابها را با احتیاطان بیشتر بکار برد . قوانین مدرج های محاکمه اند، بایستی آنها را در هم شکسته مغز واقعی آنها را بیرون آورد. قاضی نباید مانند یک ماشین جامد، قانون جامدی را برامری بطور ساده تطبیق کند بلکه بایستی آن امر و آن قانون را در حال حرکت و تکامل فهمیده قضیه را بسنجد و گرنه بایک دستگاه جامد مکانیک فرقی نخواهد داشت و خصوصیات بشری خود را از دست خواهد داد، ما میخواهیم در این موضوع به محکمه کمک کنیم :

حق که بمجرد پیدایش بشر و اجتماع وی بوجود می آید عبارت است از مجموع اختیارات یک نفر با یک فرد قانونی (۱) حق یک فرد در مقابل افراد دیگر مفهوم وظیفه را بوجود می آورد. عدالت و حقانیت واقعی (۲)

۱- مقصود عدالت قانونی است

۲- مقصود از عدالت و حقانیت واقعی عدالت و حقانیت بطنی است

۳۶ - فلسفه که به کل تمام میشود و فوراً باخ آرا مقرر می کند تنها یک نتیجه مثبت و مفید برای بشر ارت میگذارد و آن، نظریه ماتریالیسم دیالکتیک است!

xalvat.com

مفرد دفاع

مبارزه امام‌مدار

۶۸

مبارت از حفظ آن حقوق و وظایف است که بر حسب ساختمان و تکامل صبیعی و منطقی فرد و جامعه بایستی بدانها تعلق گیرد اصلی ترین و اولی ترین آنها عبارت است از حق حیات و آزادی یعنی حقوق و وظایف متساویه نسبی افراد در مقابل رنج تولید و استفاده از مصرف و انتظام امر تولد و مصرف. بنا بر این عدالت واقعی در حفظ آزادی این حقوق و وظایف میباشد متضکرین بزرگ مانند ارسطو به تضمین این حقوق بوسیله قیامها و اعتراضات شدید فتوا میدهند قوانین عبارت از فرمول های متبلور متعجری است که طبقه واضع آنها ادعا دارد که بدالت واقعی در قالب آن قوانین صورت علی داده است، چون جامعه همواره در حرکت و طبقات جا که و آیدسته تلوژی آنها در ادوار تاریخی در تغییر است پس، قوانین نیز که منصوص فکر و حافظ منافع آن طبقات است و قوه قضائی که ماشین اجرا و اعمال آن مدرج ها است در جریان دائمی میباشد بنا بر این قوانین مانند سیلاب های رنگارنگ گاه تیره و گاه شفاف دور نور ثابت عدالت واقعی را فرا گرفته است آیا ممکنست قوانینی که بدست اقلیت وضع شده است شفاف و حاکی عدالت باشد ؟ چه چیز ضمانت میکند که اقلیت واضع قانون، علی رغم طبع و مشی و منافع خود بفکر منافع توده باشد ؟ تاریخ پر از قوانین تیره و تار است قوه قضائی و مدرج های آن یعنی قوانین، تابع طبقه حاکم و تکامل ادوار تاریخی است چه صحنه های جنایت و قوانین جابرانه که بنام عدالت در تاریخ بشر ظاهر و منسوخ گردیده ! در یونان قدیم بنام همین قوانین تیره و مفتضح، جام شوکران بدست سقراط بعنوان مخالفت با ارباب انواع شهر که آن روز مقدس بود داده شد. در روم جنم کثیری در صحنه ها طعمه و وحوش گرسنه شد. در قرون وسطی بنام خدا و مسیح از طرف ادارات انگلیزیسیون زبانها بریده شد. توده ها از افراد بشر زنده زنده با آتش انداخته شدند در قرون وسطی معاکه بین ارباب و رعیت جنگ تن بستن بود که در آن خان سواره و با سلاح ورعیت پیاده و بدون سلاح در مقابل هم قرار میگرفتند پس از خنثی آن صحنه ضعیف نش آن رعیت بعنوان محکوم از جلسه معاکه بیرون کشیده می شد

۶۷ - یعنی و هرت نسبت به آن است ، حصر بالکار محدود و اما این گونه نظر
است . حقوق معام الامم که خواص هر ملت نیز مانند خواص هر فرد تابع شرایط و قوه قضائی

xalvat.com

۶۳ مبارزه با فساد و فحشاء

در دوره تجدد (رنسانس) پیشوایان سعادت بشر مانند چوردارنوبرونوویا پولتن و غیره بسوزنن درآتش و زبان بریدگی محکوم شدند، گالیله اگر زانو بزمین نمیزد و با انگشت پا دنیا را بریش پاپ نمیخندانید نیز درآتش نمیسوخت. آیا قوانین چهار امروز و شهرستانی های ملبقات ممتاز با آن قوانین و تعصبات ادوار قبل تفاوتی دارند؟ نه، دنیا باآخر نرسیده و تاریخ هم نایستاده است و همان اقتضاجات است که بدست قوای قضائی طبقات ممتاز تکرار میشود تاآنکه دوره وضع قوانین مطابق عدالت واقعی و نفع توده بشر برسند. هر قدر که این محکمه و لباسهای رنگارنگ شما بنظر تان مقدس می آید قانون اعدام سقراط و تعصبات مذهبی کاتولیکی هم بنظرشان مقدس بود این جلسه هم مانند آن جلسات مضحک و فجیع، روزی موضوع برای صحنه های نمایشات خواهد شد. قوه محرک و تغییر قوانین بحدی بزرگ است که بزرگترین تعصبات هم نمیتواند مانع آن تغییر بشود. کافی است بتغییر قوانین شرعی و عرفی در محاکم ایران باوجود این همه تعصبات توجه کنیم، پس قانون مقدس نیست فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد چندی کنید. بانظروسیم و وجدان پاک حکمیت نمائید تا کار تان روزی مضحکه نسل آینده نشود، حالا بقانونیکه در این جلسه مطرح است توجه نمائید. هر گاه اقتصاد که پایه جامعه است و قوانین اجتماعی بر حلقه ای برسد حتماً نتواند باقی بماند بوسیله انقلاب تحول می یابد.

محصولات انقلاب که جریان طبیعی تاریخ آنها را ایجاد کرده حقانیت دارد قانون اساسی فعلی ایران محصول یک انقلاب خونین این ملت است که برای تحصیل آن، در هر گوشه از خون جوانان وطن لاله دمیده بود، هزاران نفر بجهت تحصیل این چند ماده قانون قربانی شد این انقلاب برخلاف مشهور بدست اجانب صورت نگرفت بلکه اجانب استفاده نمودند. هنوز آن انقلاب ناقص و محصول آن نیز از نظر عدالت ناقص بود زیرا اصول آن قانون از نفوذ فکر مونتسکیو، ولتر و روسو به قوانین فرانسه و از آنجا به قوانین ملل دیگر و از جمله ایران بوجود آمده است. تازه ولتر و راجع به این قوانین مشروطه مینویسد: این قانون نظیر همان رنگی است که موشها بگریه بستند چنی استبداد را از میان برده فقط اقدام ظلم را قبلاً اطلاع

آن ملت یا فرد است. امروزه شخصی که برای خود اختیارات ملی فاکل است و ملت دیگر را تغییر میکند. در تحت شرایط ملت تغییر شده در آید خواص همین ملت را پیدا میکند.

۳۳ شماره ۷ اماه دارد xalvat.com متن دفاع

میدهد. واضح میشود که قانون اساسی هنوز از نظر عدالت خیلی ناقص و بیجان ترتیب که تحصیل شده، باید کامل گردد. اما خدمت بزرگی است که همین قانون ناقص بایران نموده. و باید اقلانا موقع رسیدن وسائل پیشرفت شیرقمقرانی نکند همان روح طرفداری از آزادی عقائد و تجزیة قوانین کشور پهنه قوه مقننه، مجریه و قضائیه است. قانون این حقوق و آزادی و حق ملی را گرانبهارترین سرمایه ملت میداند که در حقیقت مشخص مقام و بزرگی یک ملت نیز میباشد.

ملت ایران هم اصل ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی را دایر با آزادی مطبوعات و انجمن ها و عقائد برای حفظ شئون خود با خون خریده است مجلس شوری هیچوقت جرأت نداشته است برخلاف وظایف و شرافت خود قانونی مغالف روح این اصل وضع نموده از حقوقیکه بوی داده شده است، علی رغم اکثریت بنام اقلیت سوء استفاده کند. ممکن است قاضی ایراد کند که مطابق اصل تفکیک قوا ما وارد موضوع قانون نمیشویم و وظیفه ما اجرای قوانین قوه مقننه است. ما میپرسیم، آیا این قانون اساسی مقدسیکه قوا را از هم تفکیک کرده و شورا با سوگند شرافت ملزم با اجرای قوانین نموده، شرایط مجلس مقننین را نیز تعیین کرده است یا نه ؟

آیا شما هر کس هر قانونی داد بدون توجه بطرز تصویب، آنرا مطابق اصل تفکیک اجرا میکنید؟ مجلس شوری سال ۱۳۱۰ این جرأت را کرده و ماده ۶۰ قانون مجازات عمومی سابق را که مجالس ملی برای حفظ انتظام کشور در مقابل شورشها وضع کرده بودند تغییر داد. آزادی عقاید را رسماً قدغن نموده، توهین کمرشکنی بر ملت ایران وارد آورد. هر قدر در هویت آن مجلس و تشریفات قانونی تشکیل آن و منافاتی که قانون مزبور با روح قانون اساسی دارد و سوء استفاده ای که مجلس از حق خود بدون توجه با احساسات عمومی نموده است، بیشتر دقت کنیم، این قانون مفتضح تر و کثیفتر در نظر ما جلوه میکند بهمین جهت ما آنرا بیادگار محکمه تاریخی امروز «قانون سیاه» مینامیم و برای حفظ شرافت ملت ایران نفرت شدید خود را نسبت بان اظهار میداریم اگرچه آن قانون اصولاً برای قدغن کردن فکر کمونیسم وضع شده است در همین حال بجهت تکمیل عمل مفتضح خود تمام عقاید را قدغن نموده یعنی مطابق آن میتوان تمام عقاید را اعم از

xalvat.com

بازره امامزاده

دفاعات تقی

سویالیستی و دمکرات و غیره تعقیب کرد. انصاف بدهید آیا غرض قانون اساسی از آزادی عقائد، همین قدغن کردن کلیه عقائد بوده و آن خونها برای همین ظلم امروز ریخته شده است؛ البته از آن مجلس هم بیش از این توقعی نبود ولی محکمه ای که قانون مزبور را میخواهد بکاربرد باید در ظاهر و باطن آن نیز دقت کند یعنی بهر دو طرف مدال باید تماشاکرد نه فقط به یکطرف آن. از حیث ظاهر بایستی تشریحات تصویب قانون، مورد دقت قرار گیرد. همین دقت کافی است که ملفی و غیر معتبر بودن آنرا بشما نشان دهد. از حیث باطن به محتویات آن قانون بایستی توجه نمود، بجهت این امر بایستی بهمالکیکه سرمشق سلطنت مشروطه میباشد مثل انگلستان و غیره رجوع نمود آیا در انگلیس تمام عقاید آزاد نیست؟ تمام عقاید، در مجلس شوری نمایندگانیکه از کلیه حقوق و امتیازات نمایندگی برخوردار میباشند دارند این قانون اساسی و آزادی عقائد با آن قانون سیاه حکایت گر بهر شتر عذب و کوسه وریش بهن نیست؛ چه عواملی باعث شد که سال ۱۳۱۰ چنین قانون شوم ملت ایرانرا بنگین کنند، واضح است در اینجا ذکر نمیشود. همین قدر باید فهمید، هر قدر تمدن یک ملت عالی تر است تعدید عقائد در آن کمتر است. مثلا در مالک درجه اول مانند امریکا و انگلیس و فرانسه و سوئیس و غیره که سرمشق تمدن امروز میباشد افکار عمومی را خفه نمیکنند ولی در مستعمرات مانند فلسطین و هند و غیره بموجب درجه تمدن، افکار و عقائد به ترتیب با جسمهای یکسال و سه سال و غیره تعقیب میشود. در تب هر کس پشهای محلی را نپرستد محکوم باعدام است. هر قدر درجه تمدن پست تر است میزان جنس نیز بیشتر میباشد از این جهت است که بایستی برای عواملیکه این تک توخش را با قانون ده سال مجازات برای ملت ایجاد کرده است جنبه اجتماعی شدید قائل شد. انصاف بدهید آیا اشخاصیکه قانون سیاه را وضع کرده اند صلاحیت اینکار را داشته و یا راجع بافتکاری که قدغن کرده اند کوچکترین رساله ای هم مطالعه نموده اند؟ بطور یقین نه، والا مرتکب این جنایت نمیشدند. من بدو اینک بخواهم از عقیده مضمومی طرفداری کنم میخواهم با کمال انصاف بنام آزادی عقائد نکات ذیل را تذکر دهم چه طور میتوان عقایدی را قدغن کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشر شروع شده. در جنبه شجب زندگی مردمی واجتماعی از روی اصول و پایه های کاملاً علمی و جنطقی

xalvat.com

۶۹ ————— مبارزه ادامه دارد ————— متن دفاع

اظهار نظر مینماید. هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود پانده‌ایزه سوسیالیسم و کمونیسم راجع به آن کتاب تألیف و باین کثرت انتشار یافته باشد و این نشریات از مشکلترین موضوعات متافزیک و منطق گرفته تا عملی‌ترین و تازه‌ترین مطالب زندگی را در معرض انتقاد و بررسی قرار میدهند. چطور میتوان بدون مطالعه کوچکترین ورق از این کتابها، داشتن یک عقیده را با یک قانون ارتجاعی قدغن کرد؟ واقعا شرم آور است که تمام پرونده های متممین این دسته پر است از سئوالاتی که آیا شما فلان کتاب را خوانده یا ترجمه کرده یا امانت داده یا فلان بحث علمی را کرده اید یا نه؟ اگر کشوری فقط از خرسر و میسون و دد و دام هم مسکون باشد این اعمال را بسر فرض مسلم بودن، برای احدی جرم نمیشمارند. فراموش نکنید همانطور که مجله دنیا توضیح داده است شما مجبورید در جزئیات زندگی خود تمدن غرب را تقلید کنید، لباسی که امروز پوشیده اید، طرز غذا خوردن، منزلتان، قوانین و اصول معا کلماتان اساسا تقلید از تمدن غرب است. پس چرا در این مورد این قدر انحراف پیدا شده است. مگر انگلیس سلطنت مشروطه ندارد؟ مگر صریحا طرفداری خود را از اصول دموکراسی و کشورهای دموکرات در این روزها بدینا اعلان نکرده؟ چرا در این مورد از کشورهای اینکه در دنیاال تمدن غرب قرار گرفته دچار ارتجاع موقتی شده اند (۱) تقلید میشود؟ اگر این عمل سر مشق باشد پس خوب است بعضی قوانین هم از بربرهای افریقای مرکزی تقلید شود! در موقعیکه در ممالک متمم نیازم نوبل را بیاس حفظ صلح عمومی دنیا، به یک نفر اوسیسوسکی که نماینده این افکار بود میدهند ننگ آور نیست که در این کنج خلوت همان افکار بمنوان اقدام بر علیه امنیت با مجازات ده سال حبس تعقیب شود؟ مخالفت با موازین اخلاقی و نوامیس مقدسه بشر بقدری صورت وقیح بخود گرفته است که عقیده ایکه از آزادی و صلح و جلوگیری از فقر و فساد و فحشاء و خونریزی صحبت میکنند، با مجازات ده سال حبس تعقیب میشود و چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری از رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن، اینقدر سخت مجازات میشود. چرا اینقدر از رنجبران میترسید؟ چقدر بچشم زنده است که مامورین

(۱) آماره بالمان هینلری است

۵۰ ————— قیمت و کیفیت اینکدیگر متقابل میشوند. در همین اینکه تا هم متضاد است متعادل بیایند. > اصل سوم: بالاکتیک <

شهریانی تا چشمشان بورفته، ای که کلمه رنجبر دارد میافتند، با سروکله هجوم میآورند و جن از بسم الله باندازه شهریانی طهران از رنجبر نمی ترسد. مگر رنجبر تمام جزئیات حیات شما را تامین نمیکند؟ مگر اکثریت ملت ایران به نسبت ۹۰ دهم رنجبر نیست؟ مگر مخالفت با رنجبر مخالفت با ملت ایران و مخالفت با همان مشروطه دموکراسی نیست؟ پس چرا تمام قوه شهریانی صرف تعقیب طرفداران رنجبر است. این نوع تعقیب و محاکمه واضح میکند که شما نه فقط با توده مخالفین، بلکه نیز از آن سخت هراسانید. این تعقیب شدید، غیر ترس و لرز علت دیگر نمیتواند داشته باشد. باین ترتیب شما اقرار تلویحی بقدرت توده میکنید. پس شما را به عاقبت وخیم ایوب طرز عمل خودتان متوجه میسازیم. فقط از همین يك قمره محاکمه فطری و عاطفی گذاشتن عده ای که ماهیانه مقدار زیادی کار مفید اجتماعی تولید جامعه میداده است در مدت حبس گذشته، در حدود يك میلیون ضرر مستقیم به جامعه ایرانی رسیده است. این ضرر و نژادکسر آن نتیجه همان جنایتی است که روزی مجلس شوری مرتکب شده، قانون سیاه را تصویب نموده تا بینم مطابق رأی محکمه امروز، شما تا چه درجه میخواهید شریک جرم آن بشوید!

تقاضای اول ما امروز اینست که دیوان تمیز بنام عدالت و بنام حفظ شرافت ملت ایران، مخالفت قانون سیاه را با روح و اصول قانون اساسی و با آزادی ملت و عقائد، مجلس شوری تذکر داده الغاء آنرا جدا بخواهد و تا این حق کسب نشده قوانینی که واجد شرائط معینه قانون اساسی نیستند اجرا نشوند.

xalvat.com

۲- پرونده ها و قوه مجریه

حال که خصوصیت قانون سیاه معلوم شد به پرونده هایی که محکمه میخواهد قانونرا بر آنها تطبیق کند، توجه مینمائیم. سه عامل عمده کاملاً غیر قضائی که قوه قضائی یعنی شما و همچنین ما را ملعبه خود قرار داده، امروز باین طرز میرقصاند، باعث تشکیل این پرونده ها گردیده است. آن سه عامل عبارتند از:

اولاً سیاست داخلی بجهت ترساندن توده از آزادی افکار و عقاید.

۲۷ شماره ادامه دارد - مورد دفاع

تأیید سیاست خارجی برای انتظام بعضی روابط سیاسی .
 ثالثاً عامل اداری یعنی شهوت فوق العاده شهربانی تهران برای تظاهر
 و خود نمائی و جلب توجه مافوقها برای استفاده از دوام مسوقیت و ارتقاء
 رتبه و غیره .

آیا شرم آور نخواهد بود که شما وجدان قضائی خود را ملعبه این
 شطرنج بازیها قرار دهید ؟ طرزتشکیل این پرونده که نمونه ای از کلیه
 عملیات دیگر شهربانی و مظهر قوه مجریه است بشرح ذیل بوده است ؛
 قبل از توضیح متذکر میشوم که کلیه آنچه که در اینجا بعنوان جنایت نسبت
 داده میشود با اسناد و مدارک است و با این شرح آقای دادستان و محکمه را
 ملزم به تقییب مرتکبین جرائم مینمایم که خودداری از آن خیانت بوجدان
 و اخلاق قضائی و مخالف قوانین و مقررات است . از این حیث این دفاع ،
 حکم حمله و عرض حال را دارد که **قوة قضائی** موظف است بدان
 ترتیب اثر بدهد .

xalvat.com

در اوایل سال ۱۳۱۵ شهربانی شخص مظنون به قاچاق را دستگیر
 مینماید، از خصوصیات این شخص اینکه خود را ضد کمویست معرفی میکند
 و اداره سیاسی و دادستان، گفته های او را بعنوان راست سندیت میدهند. این
 شخص برای خلاصی خود، يك سلسله آشنائی های معمولی خود را تبدیل صورت
 داده و بعنوان يك جریان سیاسی به شهربانی میدهد. این قبیل مدارک را
 که نظائر آن زیاد بیش خواهد آمد، صدق مبدل بکذب مینمایم. این ادها
 آنکه شخص مزبور مدتی مسافرتهاى قاچاق خود را کتمان میکند و اصرار
 مینماید که حتما او را بر کز بیآورند (رجوع به شروع پرونده) تا عملیات
 خود را آب و تاب داده در مرکز شغل جاسوسی پلیسی گرفته، ضمناً خود را
 خلاص کند . پس از رسیدن ابتدا بکنفر را متهم بجاسوسی میکند. بطلان
 این تهمت او بقدری واضح بود که حتی شهربانی حریص هم مجبوراً از
 آن صرف نظر مینماید . بعد چنانکه خود در پرونده خود ذکر کرده است،
 فعلاً برای اینکه اظهار خدمتگذاری کرده باشد عده ای را بعنوان مختلف
 اسم برده، بدستگیر مینماید . البته تقدم و تاخر این مطالب با آنچه که
 پرونده ها نشان میدهد فرق دارد زیرا در پرونده های شهربانی جدیدت
 کرده خود را کاشف يك قضیه بزرگ جلوه دهد . شهربانی تحت تأثیر عوامل

دوره تکامل جدید که بنویسند همین خط سر را خواهد داشت ایجاد نماید این حکم در تمام طبیعت
 و در اجتماع که نیز جزئی از طبیعت است صادق میباشد. (قانون تکلیفی زمین با اصل دوم بالکنیک)

دلهوارانی شماره ادعا شماره ۶۸

سه گانه سابق الذکر عدة کثیری را بدون مدرک دستگیر میکنند که منهم جزء آنها میباشم. با آن بقیه هائی که شخص مزبور داده اگر عوامل مزبور مؤثر نبود پیرا شهربانی ما را تحت دقت قرار داد که اسناد صحیح بدست آورده مرتکب آنقدر جنایت و فشار و شکنجه و تظلم قانون نشود.

روز دوشنبه ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ در جزو دستگیر شدگان شخصی را شهربانی تهدید به اعدام میکنند و این تهدید بواسطه وجود يك پرونده و سابقه ای واجم به مشارالیه در دادرسی ازتش، مؤثر واقع میشود مشارالیه مجبور میشود تمام قاتلین و افسانه های تلقین شده را که شهربانی خود موجود و بافنده آن بوده است تصدیق کرده و از خود شاخ و برگ جعلی برای آن ترتیب دهد، صدق های کذب شده در این پرونده زیاد است. روز سه شنبه ۲۱ اردیبهشت تمام دستگیری ها بعمل آمده و فرقه جعلی که ساختمان آن در روی میزاداره سیاسی انجام میگرفت، بهمه تحویل شد در اینجا به عبارتی که در ادعای نامه است و کشف فرقه را به تحریرات من نسبت داده توجه مختصر می نمایند. این عبارت فقط يك اشتباه یا جعل معقولی نبوده، يك شاهکار پلیسی است که بدست دادستان صورت گرفته است پرونده ها نشان میدهد که تحریرات من مختصری از ۲۱ و اصولاً از ۲۳ شروع میشود در این تاریخ جعل شهربانی تکمیل شده همه دستگیر شده بودند تحقیق این کذب کتیب را که لطف به حیثیت من است، میخواهم و آن خود دلیل کذب ادعا نامه است بدینشوال در تاریخ مزبور اختراع و سرخاب و سفیداب يك فرقه عظیم خیالی از طرف شهربانی تکمیل میشود چون تنها چیزی که ممکن بود ایجاد هراس کند، وجود يك فرقه اشتراکیست بنا بر این بیان تشکیلات جعلی هم همین نسبت داده شده. از روز بعد دستگیریهای جدید شروع و از آن بپس این فرقه خیالی که در آن رل منشی گری و جیلنی آنرا برای من قائل شده بودند، بهمه تحویل میشود. برای بزرگ کردن موضوع، بواسطه خصوصیات شخصی، بمن توجه خاصی نموده دو روز بعد با ادارات و سوابق تحصیلی من مراجعه نمودند. روز دیگر باوران من رسیدگی کرده مزاحم اغماصیکه در مراسلات من ناخبرده شده بودند شدند و به تکمیل اختراع خود پرداختند. اگر پیرونده های شهربانی من مراجعه کنید خواهید دید که با وجود آنهمه فشار، من زیر بار این تحویل نرفته فقط برای خلاصی از فشار، مطالبه جلان کتاب یا رساله را بخود نسبت داده ام تا از فشار خلاص

همه طبعه های در خارج از آنجا مستلاً یعنی بدون ارتباط. بنگر بفرموده است که ما آزاد و الهیت و میانه کسوز این و الهیت در فکر بشر «حقیقت» است که خاندان الهی و الهی است.

۶۸ ————— مجازه ادبانه دارد ————— عقرب دفاع

شوم چه میدانستم اگر روزی پرونده ها بیک محکمه مراجعه شود (موضوعی که آن موقر بواسطه وجود بلا تکلیف های ده ساله ابدأ حدس زده نیستند) یک قاضی یا شرف مطالعه بحث مطالب را نمیتواند جرم حساب کند. همین مقاومت من خود بهترین دلیل جملی بودن تشکیلات ادعائی است. علاوه دلائل ذیل ادعای اختراعی بودن افترا های شهربانی را واضح می نماید. (راجع بصححت تمام تاریخها که ذکر میشود پیرونده ها رجوع شود)

دلیل دوم - گرفتاری عده ای بیگناه بعنوان اینکه پانزده سال قبل عضوانجمن علمی موسوم بفرهنگ بوده اند . بدون صرف وقت فقط تذکر میدهم این عضویت جرم نبوده اگر جرم هم باشد مشمول قانون مرور زمان است. امروز هم یازده بدایت و شهربانی پرونده های آن بدبخت ها را مانند توپ فوتبال بطرف هم پرتاب و برای استغلاص آن بی تخصیر ها تقصیر را بگردن هم میاندازند. آیا جز عوامل سه گانه مزبور چیز دیگری ممکن است علت این غلط اندازی مقتضح باشد ؟

دلیل سوم - گرفتاری عده ای کثیر بدون هیچ نوع مدرک قانع کننده که خودشان هم امروز مجبور بتصدیق آن خواهید شد . این بیچاره های یکسال ونیم است بدبخت شده اند. چند روز قبل، زن آن غیاط اهفت بچه پیاده بزندان قصر آمده بود . بچه ها بعضی دیدن پدرچنان فغان بر آوردند ودامن او را ازینجره برای خلاص گردنش کشیدند که دل سنگ زندانها هم تاب نیاورده شروع بگریه کردند . این شخص را که مامورین مربوط هم ببتقصیر تشخیص داده ویشنهاد استغلاصش را ننموده اند (رجوع باداره سیاسی) هنوز هیئت مدیره شهربانی برای تکمیل تظاهر و خود نمائی، از خلاصی او خودداری کرده اند تا عده مجبوسین زیاد باشد و خدمت آنها مهم جلوه کنند . این نوع گشاد بازی در دستگیری بیگناهان و این نوع گستاخی در مقابل قوانین کشور جز یک قمار اداری و سپاسی پیش نیست که خانواده ها را بفلاکت انداخته ملتی را رنجانیده است . من این موضوع را در پرونده شهربانی هم بحالت اعتراض شدید توضیح داده آنها را بوخامت امر متوجه کرده ام (معلوم شد حکه شهربانی بییل خود مقداری

در تغییر است . مغز و عمل اختصاصی آن که فکر باشد حالت خاص تشکیلات و تغییرات مادی است .
> نایب امروز منکر سکت مادی <

دنیای وراثی - مجازات‌ها در تاریخ

از اوراق پرونده‌ها را پاره کرده است معذک بقیه این اوراق حاکی از این ادعا است) این عملیات شهرداری امنیت قضایی را از ملت سلب کرده، هیچکس در گوشه خانه خود از این پاپوشدوژیهای قماربازانه که فساد اخلاق و مادی بودن مامورین هم مزید بر علت آنست، آسوده نیست. دلائلی که علاوه بر دو دلیل فوق ذیلا اضافه میشود یک سلسله عملیات خلاف قوانین و مقررات مسلطی است که ارتکاب هر یک از آنها قانوناً جنایت است و شهرداری با کمال بی‌پروایی مرتکب آنها شده است و من مطابق شرح فوق مجازات آنها را در حدود مقررات قانون خواهانم.

دلیل چهارم - دستگیر کردن افراد از طرف مامورین شهرداری بدون اطلاع قوه قضایی و تعرض و دخول عنفی در منازل، برخلاف مقررات بوده است. مدرك این ادعا دفاتر دادخواهی - این عمل مخالف اصول ۹ و ۱۳ مضمون قانون اساسی و مفساد ماده ۷ و ۲۶۶ از قانون مجازات عمومی است.

این ارتکاب جرم هم بواسطه وجود عوامل سابق الذکر است و الا شهرداری داعی نداشت که این خیانات و جنایاتی را که ذیلا تشریح میشود مرتکب گردد.

دلیل پنجم - دستگیری و تفتیش منازل با آن صورت فجیع برخلاف ماده ۹۴ اصول معاکمات جزائی، موقع شب بعمل آمده است. مدرك این ادعا دفتر زندان و شهادت خود مامورین توقیف.

دلیل ششم - حبس کردن شهرداری و قبول کردن زندانیان بدون دستور دادستان و یا مراجع دیگر قضایی، اخفاء نامها، نرساندن نامه های ما بدادستان برخلاف مواد ۱۲۳ و ۱۲۴ اصول معاکمات جزائی و ۱۹۳ قانون مجازات عمومی. مدرك این ادعا اخفاء ما در زندان بدون اطلاع دادستان و نامه های را که ما یا نامه های پاره شده با اطلاع شهود در زندان.

دلیل هفتم - ضبط و توقیف مراسلات پستی، مخالف اصل ۲۲ مضمون قانون اساسی و ماده ۹۹ اصول معاکمات جزائی. مدرك این ادعا مراسلات پستی ضبط شده در پرونده.

دلیل هشتم - دزدی و واژه کردن خسارات بعنوان شکنجه و فشار

۵۳ - طبیعت مادی که وحدت مکان زمان - ماده ۴۰ بعد اولی است و حیات سلول و روح سلسله عصیر که خواص بگونه از انواع اینهاست زیاد تکلیفات ماده است، ثانوی میباشد.

۲۹ شماره ادانه دانه

خسارات وارده عبارتند از خساراتیکه بواسطه توقیف غیرقانونی و جلوگیری بیمورد از رسیدگی بکارها وارد آمده و دیگر دزدیهای زندان مطابق صورت مخصوص که از آن جمله است دزدی غذای روزوشب من بدر مدت چهارماه در حدود روزانه ۱۰ ریال که جمعا ۱۲۰۰ ریال میشود. مدرک آن دفاتر زندان و شهادت اجزاء زندان و پاسبانان و مخصوصین دیگر و نظافتچیها، برای مثال توسط محکمه احضار شاهدرا خواستار میشوم. مقرر دیگر دزدی پول نقدی است که باسم من در جریان مردادماه ۱۳۱۶ موقیکه مرالخت روی زمین مرطوب انداخته بودند بزندان داده شده و متصدیان دزدیده اند. مراسلات متعدد در این موضوع بلا جواب مانده است. وصول این اموال سرقت شده را از اعضاء شهربانی خواستار است.

دلیل نهم - اقدام به تحقیقات غیرقانونی بجهت انجام افتراء فرقه سابق الذکر برخلاف مواد ۱۸ و ۲۰ از اصول محاکمات، اگرچهل سابق الذکر را شهربانی در نظر نداشت چه داعی داشت که با ارتکاب جنایات مشروجه و برخلاف مواد سابق به تحقیقات غیرقانونی اقدام نماید.

دلیل دهم - ابراز توحش و بربریت ببنظیر در تحقیقات غیرقانونی مذکور برخلاف مواد ۳۱ و ۱۳۶ قانون مجازات، توحش های مذکور بقرار ذیل است: (الف) شکنجه های بدنی: بعد از زیادی از شکنجه جسمی وارد کرده اند. این عمل در شهربانی برای عموم مخصوصا برای متهمین سیاسی وجود دارد.

برای من از همان شب اول دستگیری دست بند را دراستقلال پیش آورده، بالاخره در عشر اول تیرماه ۱۳۱۶ در اطاق اداره سیاسی برای گرفتن اقرار منشی گیری و تبلیغ و انتشار مقالات باامضاء جعلی احمد که در پرونده شهربانی منعکس است، دست بند زدند. حاضرین این جلسه که شاید فقط باقیمد قسم شرافت میتوان از آنها شهادت گرفت (۲) عبارت بودند از اسفندیاری عباسخان، فتوحی و خسروانی و جوانشیر که ابتدا حضور داشت و در این موقع از شجالت خارج شده بود. از آن تاریخ اداره سیاسی آن شک را برای خود ایجاد کرد. يك مدرک منقسم برای وجود این شکنجه ها آنکه مستندات منقسم که ابتدا توحش شده است از طریق من اعضاء شده و من برای چنین روزی پیش بینی کرده و در کنار آن جواب اشاره کرده ام.

۵۴ - هر فرد بشر مانند هر حیوان و نبات جزئی از طبیعت مادی و تابع قوانین عامات و معلول آن است.



xalvat.com

دنیایوارانی - شماره ۱۰۱ - شماره ۱۰۱

که این اوراق باطل است، دوزخ بعد همان سوال و جواب شروع میشود و مخصوصاً باین عبارت شروع کرده ام :

« پس ارزشینم و اطلاع ... » با این عبارت واضح کرده ام که آنچه که من آنروز نوشته ام مخفف تلقینات تحلیلی بوده است چیز شکنجه عذب دیگری نمیتواند این تغییر وضع ناگهانی را ایجاد نماید. دیگر از شکنجه های بدنی، که بمنظور گرفتن اقرارهای لازم بکار برده باز هم موفق نشده اند، توحش تنگین و فراموش نشدنی ذیل است که جنبه تأویخی دارد و از ادله تاریخی این اوضاع تنگین بیادگار خواهد ماند: زیرا شهر بانی و روحیه قوه مجریه را تا درجه فراشان و داروغه ها و میر غضبهای قرون وسطی تنزل داده است، بشرح ذیل: مرا با تصمیم غامدانه برای کشتن یکی عزیزان کرده در یک سلول مجرد مرطوب اطاق ۲۸ دالان سوم زندان موقت که فرش پر حشرات آن را هم جمع کرده بودند، مدت چهار ماه انداختند چون معلوم شد که من شبها کفشهای خود را زیر سرمیکنارم و ممکن است بتوانم با وجود سختی و رطوبت زمین، قدری بخوابم آنها را هم گرفتند. رسیدن غذا و پول را هم قدغن کرده، آنرا دزدیدند. رطوبت این اطاق بعدی است که تا آمدن دیوار آن قارچ می روید و من از این قارچها همواره به طیب زندان ارائه داده ام و قطعاً حالا هم هست و جداً میخواهم آنجا را معاینه نموده، رأی طبیب قانونی را راجع بحسب سختی در زمین مرطوب و بیفرش آن بخوانم. مدارک صحت این مدعا دستور شهر بانی به زندان، عمل کردن دستور از طرف مأمورین زندان با شهادت شاهد ها که مطابق مراسله ۶۶۷ در ۱۳۱۷ دعوت آنها از محکمه خواسته شد و شهادت کلیه زندانی های دالان سوم در آن تاریخ، رسیدگی باین توحش را خواهانم، مدارک دیگر این مدعا مبتلا شدن من بدو ماه پیش یکی روماتیسم و دیگری ضعف قلب است که مطابق دفاتر و گزارش های بهداری زندان در مدت مزبور بر من عارض شده است.

قضاة! میفهمید چه میگویم؟ مرض برای تمام عمر در نتیجه جنایات قوه مجریه (!!!) مسئول وجدانی این جنایات کیست ؟ اگر تعقیب مجرم نشود آیا قوه قضائی یعنی همه شما شریک جرم این جنایات نخواهید بود؟ نظیر این جنایات در شهر بانی زیاد است کافی است زندانی لانه ۲۷ دالان

۵۵ - مادیات و محیط مولد فرد و جریان اجتماع است، ولی محیط تابع اراده فوق مادی افراد نیست.



xalvat.com

۷۳ ————— سازه اوامه دارد ————— متن دفاع

اول زندان موقت را بخواهید ، بیغه های این شخص در نتیجه آویزان کردن سنک در شهر بانی مشهد، ناقص شده است . میتوانید امر بجا بدهید . فوقضائی خوابیده و میر غضبهای جامه با فعالیت تمام بیدارند .

ب) دیگر از انواع فشارها غلات و شکنجه های روحی است : شهر بانی همه و مراهم تهدید به توقیف تمام اعضاء خانواده نموده است . وجود معیوس نسوان و معیوس بودن یکمده زنان بیگناه بعنوان سیاسی که چند سال بالاتکلیف مانده اند و فقدان هر نوع وجدان اجتماعی متجددین و تعصبات مذهبی متقدمین برای حفظ حیثیت نسوان دلایل قوی برای مؤثر بودن این تهدیدات بود . قریب یکسال بود که مرا از سلامت مادری که در بستر مرض سخت تر کش کرده بودم بعنوان فشار بی خبر گذاشتند . نظائر این فشارهای روحی هم زیاد است . اشاعه خبر اعدام ما برای مشوش کردن روحیه خانواده ما و محرومیت در تمام مدت از ملاقات و وسیله مطالعه و مجرد نگاهداشتن مدت یکسال از آنجمله است . میخ کردن پنجره اطاق مجرد من با شهادت نجار و طیب زندان بقصد منه ورود هوا و اعدام تدریجی نیز جزو این شکنجه ها است (۱)

ج) - فحش یکی از وسایل فشار و شکنجه مهم شهر بانی است . باید تصدیق کرد که شنیدن ناسزا برای امثال ما از دستند قهانی دشوارتر است . از جمله ناسزاهای زیاد که بمن گفتند نسبت بی وجدانی بعنوان عامل اجانب بوده است . جواب من این بود که عامل اجنبی بودن بی وجدانی است . وی باید تحقیق شود عامل اجانب کیست؟ استهزاء و مسخره منم ، میان مامورین بی ادب خیلی معمول است .

د) - اوضاع زندان تهران ، خود از شکنجه هائی است که متهم را بر اقرار غیر صحیح مجبور میکنند . زندان تهران محیطی است که دیوارهای آن مانند دیوار چین ، داخل زندان را از کشور و قوانین آن مجزا ساخته ، ظلم و فشار و زدنی بی باکانه در داخل آن بعداعلاست . هر روز صدای شلاق با شماره صدها بادستور کوچکترین و کیل ، شنیده میشود . شهر بوز ماه ۱۳۱۶ معاون زندان موقت که یک نایب اول بود با چکمه لگدی به معیوس کردی که زیر شلاق بود زده ، برده گوش این معیوس ابد را پاره حکرد

(۱) این شکنجه ها در روز شنبه تر شد تا آنکه بالاخره قتل او منبر گردید

۵۶ - تاریخ پرنیاستنهای دوره اول اجتماع . تاریخ از اعیان طیفانی است .
۵۷ - جامعه نشر ، لجزای از طبیعت مادی و تابع قوانین علت و معلول است .

xalvat.com

سازمان حقوق بشر

مجله وارانی

(رجوع به پیشینه غیر قانونی در تاریخ مزبور در زندان موقت). اگر کسی در نتیجه سال‌ها بی تکلیفی و فشار اعلان گرسنگی کند، بجای مدعی العموم که در ممالک متدین مرسوم است، امانهٔ بالا سر متهم حاضر میشوند و برخلاف دستورات حفظ الصحة، غذا را مبر غضب وار تنقیه مینمایند شکستن دندان و مبتلا شدن به امراض روده در نتیجهٔ این فجایع زیاد است. گرسنگی اخیر محبوسین بلا تکلیف سیاسی پس از ۸ و ۹ سال که ۹ روز دوام کرد از این قبیل است. فجایع زیاد مانند گزارش‌های نا مساعد برای آزار آنها بمحاکم مربوطه در این زمینه بعمل آمد.

از جمله یکی از آنها پس از چند سال بلا تکلیفی در اثر چنین گزارش‌های کذب، با وجود اقرار صریح دادرسی ارتش به بی‌تقصیری متهم، به ده سال حبس محکوم شد. غذای زندان در نتیجهٔ دزدی‌ها جز آب سرد و چند عدد لوبیا پخت نیست، مریضها دوا و غذا ندارند مطالعهٔ احصائیهٔ متوفیات زندان مخوف است. برای هوا خوری و حمام و سایر لوازم مجاز مخصوصا در زندان موقت، جز بارشوه طوردیگر نمیتوان کار کرد. دادن رشوه بسام «کاربندی» و اجرای مقررات و غیره مضطرب است مجازات کردن و دست بند زدن بصدارک از طرف زندان در نتیجهٔ نظریات شخصی بسیار معمول است، من خودم پس از قطع رابطه با محکمه قطعا بواسطهٔ اظهار حقایق که لازمهٔ فداکاری و وظیفهٔ وجدانی من است دچار همین اشکالات خواهم شد. ولی چه بآک! (۱)

ه) - دیگر از انواع شکنجه، تهدید بقتل است و بدن گفتند ... «فرمودند آقدر شکنجه بدهید که هر چه شما میخواهید اقرار کند. شکنجه بقصد کشت باشد اگر هم مرد بدرك ۰۰۰» این تهدیدات شهربانی تهران معمولا مؤثر است زیرا قتل امثال حجازی در زندان که زیر شکنجهٔ مرده زیاد است. خبر قتل شخص مزبور را در اغلب جرایم اروپا خواندم که دنیائی را نسبت باین وضع غضبناک کرده بود. با اینهمه نسبتها البته بدیهی است کسه تهدید بقتل در بعضی مؤثر واقع میشود.

و) تهدید بیلا تکلیفی یکی از وسائل مهم شهربانی میباشد، چنانکه عده زیادی را تا ۸ و ۹ سال بلا تکلیف نگاه داشته‌اند. این عده را همواره

(۱) آیا قتل دکتر ارانی در زندان دلیل صحت این گفتهٔ دکتر نیست.

۵۸ - اقتصاد نزدیک مادر سیاست است.

۵۹ - تجربه و عقل فطرت انسان برای تشخیص حقیقت است.

مبارزه ادامه دارد

برخ متهم می‌کشند. این بلاتکلیف‌ها که شهرپانی با آنها از ترس محکمه فعلی ما وعده رسیدگی با امر داده است، زندان تهران را بر کرده اند. دست‌های مهم آنها بقرار ذیل است: اولاً دست‌های از تبریز، با اتهام طرفداری از رنجبر، دست‌های از آبادان، با اتهام اینکه بر علیه نفع کمپانی انگلیس برای مزدوران ایرانی مزد بیشتر خواسته‌اند. ثالثاً دست‌های از آستارا.

و ابدا متفرقه مانند آزادبخواهات و روزنامه نویسان و غیره. خامساً عده‌ای که حبسشان تمام شده بدون مجوز قانونی محبوسند.

سادساً عده‌ای از روش که نسوان هم جزء آنها هستند. معنی این بلاتکلیفی را شاید درست نفهمید. باید بزرحمت مجسم کنید تا صحنه‌های فجیع آن در شما مؤثر واقع شود.

چند نفر از آنها پس از سالیان دراز در زندان مردانه و هر قدر تقاضا می‌کردند که خانواده خود را از پشت پنجره‌های آهنین ببینند ممکن نشده. چون دادن ملاقات تحت اختیار زندان و مانند کارهای دیگر تابع قانون نبوده بلکه مخالف با آنست. الان هم آن محبوسین بلاتکلیف چند سال است از ملاقات خانواده محرومند. مادرها و بچه‌های عده‌ای از آنها در این مدت مردند.

می‌گفتند مادر یکی از آنها وقتی که در زیر زمین مرطوب جان سپرد آخرین مالکیت یعنی لعاف پاره خود را بی‌اسبانی که همسایه اش بسود وعده داد که او را در حال احتضار بیست پنجره آهنین زندان برساند، تا بلکه برای آخرین بار پس از چند سال پسرش را ببیند ممکن نشد و جان سپرد. مسئول این فجایع یعنی حبس طولانی بدون مجوز قانون و با از حبس‌های درازی که قاضی بی پروا با کمال بی‌انصافی تعیین می‌کند کیست؟ بالاخره بایستی باین آدم‌زدنیهای بی قانون خاتمه داده شود.

بنا بر تمام این اوضاع تقاضای دوم ما اینست که تمام این مراتب تحقیق و شکنجه عموماً و برای محبوسین سیاسی خصوصاً اکیداً قلم‌غش شود. تقاضای سوم ما اینست که بفجایع زندان و سستی محاکم خاتمه داده شده، زندان تحت اختیار محاکم قرار گیرد. تقاضای چهارم ما اینست که بلاتکلیفی و حبس‌های غیرقانونی اکیداً ممنوع و بلاتکلیف‌ها فوراً آزاد و یا با محاکم احتضار شوند.

۶۴ - سلسله عصبی خاصیت آن را دارد که در مقابل طبیعت متغیر و مسؤلر، نوع معصومی متاثر شود و عکس العمل انجام دهد. این اعمال را اعمال روحی و معنوی این

xalvat.com

۷۶

سازمان دادگستری

دنیای ارانی

دلیل یازدهم - برای اثبات اینکه شهربانی نظر خاصی به مشهم و بزرگ کردن کارهای باطل خود داشته اینست که همه را برای قبول باطل و فحیم خود اغفال کرده، فریب داده است بچوانانیکه آنها را از سر امتحان بیرون کشیده بزدان آورده، وعده داده است که اگر اوراق را امضا کنند و مطابق میل آنها اقرار نمایند فوراً بجلسه امتحان عودت داده میشوند بعنوان يك مدرك تذكر ميدهم که از بزرگ گوتیهاییکه يك جوان کم سن در پرونده شهربانی خود کرده بعد حقایق را در عدلیه گفته است. بخوبی واضح میشود که جز تلقین علت دیگری برای آن اقرار وجود ندارد والا واقعا اگر تشکیلاتی در کار بود در هر حال کارهایی را که مشارالیه بخود نسبت داده است با آن وضع فعلی روحی و جسمیکه دارد بوی رجوع نمیگردند. شهربانی رسماً بهمه گفته است که شما این مطالب را که بیان میشود تصدیق کنید بی کار خود بروید، غرض شما نیستید بلکه تعقیب ازانی است. یکی از جوانان حاضر قسم شرافت میخورد که شب در زندان گوش میداده است که در حجره های مجاور صحبت های این اشخاص ناشناس را شنیده فردا در اداره سیاسی آنچه را که از همه شدیدتر به نظر می آمد بخود نسبت داده است تا بالاخره آنها را راضی کرده بتواند سر امتحان خود حاضر شود.

پرونده این شخص خود دلیل این مدعا است زیرا بخود حرف هایی نسبت داده که اداره سیاسی هم ترجیحاً برای آنها ادعای صحت نکرده است **دلیل دوازدهم -** گرفتن اقرار با کراه است صکه بایستی مطابق ماده ۳۳۳ قانون مجازات عمومی تعقیب شود. اوراق استنطاقی را تا چندین بار پاره نمیگردند و جواب مطابق میل نمی گرفتند، از متهمین دست بردار نبودند.

دلیل سیزدهم - شهربانی متوسل بجهل کذب شده است. مرتکبین مطابق مواد ۷۹ و ۱۰۴ و ۷۵۹ از قانون مجازات بایستی تعقیب شوند. مهمترین مدرك واضح برای اثبات این عمل اینکه، شهربانی در گزارش خود مطالبی بعنوان اقرار صریح متهمین (نه نظریه شهربانی) قلم داد کرده که کذب محض بوده است. مستنطق بارها باشخاصی اعتراف نسبت داده که خود موقع مواجهه بکذب آن متوجه شده است.

تائیرات راحیقت می نامیم. پس موضوع اینکه آیا میتوان بحقیقت رسید یا نه؟ غلط است. ۶۱ - حقیقت از تائیر متقابل روح و ماده بوجود می آید و باقی یکی (عدم تائیر)

۷۷ باره ادامه دارد...
 از این مواد زیاد است و در موقع دفاع، نکات مختلف از طرف همه تذکر داده خواهد شد. مخصوصاً محکمه را با اهمیت این جعل متوجه میسازیم و اگر در موارد بسیار با کمال وضوح بکمک پرونده هایی که روی میز حاضر است ثابت کردیم که شهربانی جعل کرده انتشار اکاذیب داده است دیگر جعل کوچکترین تردیدی برای راسپوتین بازی و تأتیر دادن شهربانی بنام متافع شخصی باقی نخواهد ماند. پس که چیزی اساساً انتشار ندادام و هرچه گفته ام صدق محض است. انتشار اکاذیب نسبت داده اند (۱) و حال آنکه مطابق پرونده های موجود بایستی شهربانی با آن ماده ۲۶۹ تعقیب شود نه من. عده این کذب ها زیاد است و ما در هر مورد که ذکر کنیم رسیدگی جندی را خواهیم ولی یکی از اینها را که برای واضح کردن موضوع اهمیت مخصوصی دارد تذکر می دهیم و آن نسبت به شخص من است اگر اظهارات مرا در اداره شهربانی مورد دقت قرار دهیم و آنها را با اظهارات دیگران مقایسه کنیم واضح خواهد شد.

اگر بر فرض شهربانی میخواست روابط موجود بین اشخاص را روابط حزبی و سیاسی بداند، اشخاص دیگری که از هر حیث میبایستی کار های مهمی به آنها نسبت داده شده باشد در پرونده ها موجود است و ممالک با کمال وقاحت بواسطه خصومتی که در وضع شخصی من بوده و باشتهای تظاهرات آن جواب مساعدتر و مثبت تری میداده است نسبت های کذب و شدید بن داده اند که متأسفانه دربار که هم که باصل پرونده متوجه نشده گزارش شهربانی را قطع در نظر گرفته است مؤثر واقع گردیده معلوم نیست دیگر چه عوامل مادی در این نسبت های جعل رل بازی کرده است. ممکنست خودتان حدس بزنید.

حال دارد يك رشته اکاذیب کم کم صورت واقعی بخود بگیرد و دادستان که آلت دست شهربانی است روی آن جعلیات ادعای نامنه تنظیم کرده و بحال غضب که چرا من در مقابل فشار های آنها مقاومت کرده ام برای من اشد مجازات را خواستار شده است. دادستان بعظمت بیداد و خیانتی که مرتکب میشود متوجه نیست و از طرفی ملعبه و از طرف دیگر آلت اجرای جرم واقع میشود یا اگر قضات هم دقت نکرده آلت دست

(۱) اشاره بر ممالک کتوراتی دربار ارماتاء و انواع آن روز ایران.

روح) تاثیر متقابل یعنی حیثیت معلوم میشود خود عمل فکر کردن، واحد مطلق است یعنی مانند تمام اجزاء طبیعت و افکار وجود خارجی دارد و ارتباط و تاثیر متقابل دوشینی (فکرو-)

xalvat.com

۷۸ مبارزادامه دارد هیا و ارالی

شهربانی شوند، من و عده ای دیگر واقعا کشته بوالهوسی های این اشخاص خواهیم شد. بنا براین لازم است با نظردقت بیرونده های شهربانی و عدلیه، بدون توجه بگزارش های جعلی و مفرضانه مراجعه نموده حقایق را کشف کند.

دلیل چهاردهم - در تمام پرونده ها باوجود فشار و علاقه متهمین بقبول کردن جرم های زیاد بجهت خلاص از شکنجه، هیچوقت صحبت از موضوعات عقیده ای خارج نشده است معذالك شهربانی چنانکه از عملیات وی واضح است اصرار داشت این عده را متهم بجاسوسی نموده کار خود را مهمتر نماید و هنوز هم اسم عده ای را بعنوان جاسوسی ضبط کرده اند. انصاف بدهید آیا با این پرونده ها آن علاقه شهربانی بملت جاسوسی جز علاقه او به اجرای نظریات سابق الذکر عامل دیگری ممکن است داشته باشد؟ قضایا! نمیدانید چقدر دشوار است، افرادی که خود را سراپا فدای ملت مینمایند و از هر چیزی که برایشان میسر است بطیب خاطر صرف نظر مینمایند از طرف اشخاص مجهول الهویه و یا خود معلوم الهویه با آنها نسبت های رکیک مخصوصا این نسبت شوم داده شود!

خوبست این اشخاص بعملیات روزانه خود قدری دقت نموده خود را با این متهمین کمی بسنجند. دقت کنید و بفهمید که چه میگویم. استنادی را میخواستند بدهند مایل بودند تا حدی هم مدلل سازند بیک مدرک مضحک که بعد خود هم از خجالت نکردند (زیرا بعد موضوع را فهمیدند) هشت شب شدند و آن اینکه ادعا کردند بین الملل سوم همان حکومت شوروی است چنانکه اشتباه کرده در گزارش هم همه جا فرقه شوروی را بعنوان مرکز عملیات مینویسند هنوز اینها با اندازه یک بیجه امروز اطلاعات سیاسی ندارند ادعای مزبور اعتراف بجهل محض است.

مگر میتوان بواسطه تشکیل جامعه ملل در زانو آنرا یک مستعمره سوسی و مثلا دولت انگلیس را که جزء جامعه ملل است یک مستعمره سوسی دانست همین قدر که این ادعا مضحک است بیان سابق راجع به بین الملل سوم هم مستعمره است و گرنه نمایندگان حکومتی مجالس شورای تمام ممالک بعنوان جاسوسی میبایستی اعدام شوند برعکس یکی از فرقه های زیاد کمونیستی که بین الملل را تشکیل میدهند فرقه شوروی است که ممالک

ملیعت است، ولی محتوی فکر، حقیقی نسبی است که دائما در تغییر ولی در عین حال همواره حقیقت است و از نظر حقیقت بودن رو به تکامل است و این تکامل تا بی نهایت ادامه دارد.

xalvat.com

موضوعات

شوروی را اداره میکنند و فرقه‌های قوی دیگر نظیر آن مانند چین و فرانسه و اسپانیا و غیره نیز جزو این بین‌النمل است.

بین‌النمل مغفوق حکومت شوروی است و اجزای دیگر هم عرض با حزب شوروی میباشد نه مادیون آن.

پس بطور کلی نسبت دادن اشخاصی که بر فرض برای خوشبختی ملت خود این یا آن عقیده را تعقیب مینمایند بیک دولت اجنبی جنایت محض است. ما مجازات اشخاصی را که افتراء مزبور را ببعضی از متهمین ایندسته نسبت داده‌اند مطابق ماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی جدا خواهیم نمود.

دلیل یازدهم - تشبیه شهربانی در گزارش خود بجهت اثبات لاطائلات خود به استدلالات ضعیف، دلایلی که شهربانی ذکر کرده مستو از نوع ذیل است: اقرار، اقلامشتاد درصد آنچه که در گزارش شهربانی اقرار قلمداد شده مطابق مشروحات گذشته و آینده کذب محض است. بیست درصد باشکینجه بطور یکتوانخت همه دیکته شده، دیگر قرینه‌ای که مطابق دیکته های یکتوانخت باشد؛ دلائل مست و مضعک مانند نسبت امانت دادند بیک کتاب بدون توجه بموضوع آن مثلاً امانت دادن مکتب پوخازین که دزسرتاسر شوروی قدغن است، از این قبیل میباشد و جوانان برای مسخره کردن پرونده‌ها و جای مهر گذاشتن برای آینده اغلب این قبیل قرائن را داده‌اند؛ محکمه بابتی متوجه باشد و نیز این استهزا‌ها را دلیل خود قرار ندهد از این قبیل است ذکر مجله دنیا بعنوان وسیله انتشار عقاید سیاسی. این مجله که بین مطبوعات ایران بدان مقتخریم چنانکه از روز اول اظهار شده علمی است و افکار فلسفی را چنانکه پشت جلد آنهم چاپ شده است از نظر مادی بحث مینماید.

موضوع را قهמידه از عبارات درشت آن مانند مبارزه با فحشاء و بیسوادئ و غیره آنرا تبلیغاتی فرض کرده اند، اگر واقعا کمونیسیم اینست چرا این عقیده را با این شدت تعقیب می‌کنید و ننگ کمونیت نبودن را بخود می‌پسندید و اگر مخالف اینست چرا مجله دنیا جزو اوراق تبلیغاتی بشمار میرود. شما مندرجات مجله دنیا را که من و جامعه ایران در این دوره فقر مطبوعات بوجود آن مقتخریم بدقت بخوانید اگر برخلاف وجدان و انصاف خود موضوعی

۹۲ - عقیده ما تریالیسم دیالکتیک آخرین قله نمود عقاید اشراف امروز است، واضح است این عقیده در عرض یکروز بیاتصال نامهمان پیدا نشده بلکه نتیجه یک سلسله تکامل

مقاله‌ها و پژوهش‌ها

در آنت دیدید و توانستید ثابت کنید که واقعا در آن چیزی برخلاف منافع نوده ملت ایران متدرج است مرا به مضاعف اشد مجازاتها سیاست شکنید و اگر انصاف دادید که انتشار آن جز خدمت و تحصیل افتخار برای جامعه ایرانی چیزی دیگر نبوده، تمام ادعاهای باطل دانسته بیش از این مرتکب جنایت نشوید، از این دلایل واضح میشود که عملیات خود شهربانی جرم است و نمیتواند مبداء برای تحقیقات قضایی باشد. بنابراین از لحاظ قضایی کاملا لغو و تنها سند باید همین پرونده‌های عدلیه باشد. خلاصه ارتکاب جرائم از طرف مأمورین باعث کشف یک جرم نشده بلکه برای اختراع یک فرقه جعلی یک سلسله جرائم را منظم ارتکاب شده اند و همین ارتکاب خود وارد نبودن جرمهای انتسابی به متهمین را ثابت مینماید.

xalvat.com

۳ - قوه قضائی

پس از آنکه هویت قانون و پرونده‌ها یعنی عوامل متشکله آنها واضح و مبرهن شد به تعیین هویت قوه قضائی یعنی شما که میخواهید قانون را بر پرونده تطبیق کنید می پردازم یعنی از دقت در قانون سیاه اوضاع و احوال قوه مقننه و از مطابقت پرونده‌ها، طرز عمل قوه مجریه معلوم گردیده بامدافه در اطراف شما و ضم سومین قوه حکومت مشروطه ایران که ما را مقدمین بر عدلیه آنت خطاب کرده اند، واضح خواهد گردید.

بالاخره در قسمت چهارم و قتیکه راجع بخود صحبت میکنم و وضعیت ملت ایران را خواهید فهمید.

اصولا شما واجد شرایط اشغال مناصب قضا نیستید! برای استخفاف این مناصب قبل از هر چیز انصاف، رأفت، شهامت و علاقه بعدالت و وظیفه لازم است. قوه قضائی مطابق اصل ۲۸ منعم قانون اساسی بکن از سه قوه مستقل کشور است که بایستی استقلال کامل داشته، تحت اراده نوه قوه دیگر نباشد. این تجزیه دو مسأله مشروطه مخصوصا برای همین جلوگیری از تعدیات سابق الذکر قوه مجریه است. شرافت قوه قضائی بی نظیر است.

مقدرات افراد ملت و امنیت واقعی عمومی به آنها سپرده شده است، اما شما! شما اهمیت قوه قضائی را تنزل داده آنت را یکی از شعب

دالعی و متوالی میباشد.

۶۳- تصوف از عقایدی است که در ضمن این تکامل پیدا شده و در ادوار تاریخی

۸۱ - شماره اطامه مازد - سخن دفاع

شهربانی که خود یکی از ادارات یکی ازوزارخانه های قوه مجریه است
قرار داده اید .

xalvat.com

همه جای دنیا قوه قضائیه حتی مافوق رژیم های سیاسی است. هزاران
تبدلات سیاسی مانند باد که بکوهی بوزد در پیکر عظیم و حکمکن سال
قوه قضائیه اثری ظاهر نمیسازد. اما شما بجای اینکه شهربانی مطیع لوامر
شما باشد شما مجری اوامر آن هستید و سیاست اداری و داخلی شهربانی
هم هیكل ضعيف شما را مانند غلب در مقابل باد میگذرانند. الان هم مثل
اینکه خود تصدیق دارید که کاملاً ملایمه هستید. در جلسه تقدیماتی محکمه
که جز اصحاب دعوی شخص خارجی نباید در آن حاضر باشد نه فقط سه تن
افسر شهربانی نشسته بود بلکه يك افسر کم رتبه پستی متکلم وحده و مدیر
جلسه بشمار میرفت. رئیس محکمه جرأت اظهار نظر نداشت. این انحطاط
قضائیه بجائی رسیده که روز شنبه ۱۶/۲/۲۵ یکی از بی اهمیت ترین
مأمورین اداره سیاسی که قبلاً خود را مستنطق مینامید و من آنهارا نامستنطق
مینامم، گفت: « محکمه سک که باشد بدون اجازه شهربانی کسی را تبرئه
با محکوم کند، اگر فکر تبرئه خود را دارید نظر مساعد شهربانی را
جلب کنید. » مثل گنجشک که شوهر خود را قوی ترین حیوانات میدانند
این میر غضب های دوره تجدد نیز ادارات خود را مافوق شما و قوه قضائیه
و شرافت و وجدان میدانند .

اما چرا بجهت ضعف شما! و قتیکه ما را دستگیر کردند در جامعه ایرانی
مانند توپ صدا کرد. تمام دنیا متوجه آن شده، روی پرو آژانس های دیگر
زیر دادند و البته قوه قضائیه هم اگر در خواب نبود قاعدتاً بایستی مطلع
شده باشد. قرار توقیف که تا ۲۴ ساعت بمدار توقیف میبایستی ابلاغ شود،
بعد از ده ماه (بطور متوسط) در تاریخ ۲۰۲۱/۱۳۱۶/۱ ابلاغ گردید!
آیا مستنطق ومدعی العموم در مقابل این خاموشی، خود را مطابق
موازین قانونی قابل تعقیب میدانند؟

مستنطق بدایت، آن قاضی تحقیق، آن اولین پایه قوه قضائیه، خجالت
نمیکشد و خود را نسبت بعالم قضائیه خائن میدانند؟ این شخص مطابق
اطلاع صحیح، شبها در اداره سیاسی حاضر شده، قرار خود را که پایه ادعا
نامه فعلی است و از نظر ملت مقدس باید باشد با دستور شهربانی و باز است

مابین ملل مختلفه، صور متنوعی بنود همرفته است و امروز بتدریج از میان میرود
۶۴ - مزمزاده و فکریکی از عواص این ماده است

۸۱ - شماره شانزدهم - ماه اردیبهشت - سال ۱۳۸۶ - شماره ۱۶۲۲۵ - بکی از بی اهمیت ترین

شهرستانی که خود یکی از ادارات یکی از وزارتخانه های قوه مجریه است قرار داده اید .

همه جای دنیا قوه قضائیه حتی مافوق رژیم های سیاسی است. هزاران تبدلات سیاسی مانند باد که بکوهی بوزد در پیکر عظیم و صکون سال قوه قضائیه اثری ظاهر نمیآورد. اما شما بجای اینکه شهرستانی مطیع اوامر شما باشد مجری اوامر آن هستید و سیاست اداری و داخلی شهرستانی هم هیكل ضعيف شما را مانند غلبه در مقابل باد میبرزاند. الان هم مثل اینکه خود تصدیق دارید که کاملاً ملایم هستید. در جلسهٔ تقدماتی محکمه که جز اصحاب دعوی شخص خارجی نباید در آن حاضر باشد نه فقط سه تن افسر شهرستانی نشسته بود بلکه یک افسر کم رتبه پستی متکلم وحده و مدیر جلسه بشمار میرفت. رئیس محکمه جرأت اظهار نظر نداشت. این انحطاط قضائی بجائی رسیده که روز شنبه ۱۶۲۲۵ بکی از بی اهمیت ترین مأمورین ادارهٔ سیاسی که قبلاً خود را مستنطق مینامید و من آنها را نامستنطق مینامم، گفت: «محکمه سک که باشد بدون اجازهٔ شهرستانی کسی را تبرئه یا محکوم کند، اگر فکر تبرئه خود را دارید نظر مساعد شهرستانی را جلب کنید.» مثل گنجشک که شوهر خود را قوی ترین حیوانات میدانند این میر غضب های دورهٔ تجدید نیز ادارات خود را مافوق شما و قوهٔ قضائیه و شرافت و وجدان میدانند .

اما چرا بجهت ضعف شما! و قتیکه ما را دستگیر کردند در جامعهٔ ایرانی مانند توپ صدا کرد. تمام دنیا متوجه آن شده، روی پرو آژانس های دیگر خبر دادند و البته قوه قضائیه هم اگر در خواب نبود قاعدتا بایستی مطلع شده باشد. قرار توقیف که تا ۲۴ ساعت بمدار توقیف میبایستی ابلاغ شود، بعد از ده ماه (بطور متوسط) در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۳ ابلاغ گردید!

آیا مستنطق و مدعی العموم در مقابل این خاموشی، خود را مطابق موازین قانونی قابل تعقیب میدانند؟

مستنطق بدایت، آن قاضی تحقیق، آن اولین پایهٔ قوهٔ قضائیه، خجالت نمیگذرد و خود را نسبت به عالم قضائیه خائن نمیداند؟ این شخص مطابق اطلاع صحیح، شبها در ادارهٔ سیاسی حاضر شده، قرار خود را که پایهٔ ادعا نامهٔ فعلی است و از نظر ملت مقدس باید باشد با دستور شهرستانی و باز دست

مابین ملل مختلفه، صور متنوعی بشود گرفته است و امروز بتدریج از میان میروند
۶۴ - مفزاده و فکریکی از عواص این ماده است

دلایلی مظلومانه که شرح فجایع آنها گذشته بر تیب داد:

آقای دادستان! شما واجد شرط ماده ۸۳ اصول معاکمات می باشید.

آقای قاضی شما واجد شرط ماده ۸۸ اصول معاکمات هستید. ماده ۸۹ رعایت نشده است! در مقابل توهینی که داور به قوه قضائیه در نتیجه تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی کرد یعنی در واقع هم قانون اساسی را بدون اجازه ملت تغییر داده و هم نطفه بعثت قضائیه را در آورده، چه اعتراضی بقوه مجریه کردید حقیقتاً جز تریس شما برای علنی کردن محکمه، مطابق ماده ۷۶ اصول معاکمات چه مانعی موجود است؟ چرا مانعید که ملت در چنین موقع مهم از حقایق اطلاع پیدا کند؟ چون مافوق شما بعضی شهربانی میل نیست شما خودتان هم پرونده های عدلیه را بکلی بوج فرض کرده تمام به شهربانی توجه دارید. ما شما اهمیت میدهم ولی شما برای خودتان اهمیت قائل نیستید. آیا این محدودیت محکمه از حیث دریافت پرونده ها و ملاقات وکیل و غیره مطابق مقررات قضائیه است؟ البته نه. من شخصاً را شاهد تبیین کرده بودم اداره زندان از من میخواست در آن باب تحقیقات کتبی کند. یعنی در رد کردن مراسلات، محکمه تبیین شهود مطابق دستور مرکز جداً دخالت میکرد. همه میدانیم که در رأی محکمه، شما هم مثل ما تماشاچی هستید و شمارا در پس آینه طوطی صفت داشته اند.

تبیین های غیرقانونی نیز که برخلاف اصل ۱۲ متمم قانون اساسی انجام میگیرد و شاید ما هم دچار آن فشار شویم، بیکاری محبوسیت سیاسی، محرومیت بی علت سالیان دراز از ملاقات خانواده، از ضعف روحیه شما است.

پس انصاف بدهید نه فقط قانون غلط و پرونده ها جعلی است بلکه شما هم مأمورین قضائیه واقعی نیستید. آنقدر که قوه دارید به تمام قضایا بیک طرفی نگاه نکنید و این ماده ها را دو دستی نجسید. خانواده ها را با ارتکاب جرم یعنی حبس، بدبخت نکنید. اگر واقعا جرمی است بهتر است جرمی بی مجازات بشاند تا اینکه مجازاتی بدون جرم عمل شود. من در ادعا نامه مواردی را نشان خواهم داد که فقط یک جرم بصورت مختلف جلوه گر شده است. یعنی اگر واقعا مسلم شود که من مؤسس یک فرقه بوده ام،

هم فکر هر موجود زنده نمائید. جمع عوامل دانی است. فروری و ایلافوری

یعنی اساساً در شکنجه او مؤثر بوده است.

مفرد دفاع

مبارزه اعلامیه‌ها

۸۳

عضویت یا تبلیغ بدان، يك عمل كه لازمه مؤسس بودن آن است البته بایستی از من سر بزنند زیرا اگر هر يك از عملیات را يك يك نفی كنم اصلا مؤسس بودن معنی پیدا نمی‌كند پس انواع جرم صرفا برای مهم كردن موضوع است والا ممكن بود پنج نوع جرم انتسابی من تحت يك عنوان ذكر شود. همین ملاحظه را جمع به دلایل نیز موجود است یعنی در ادعای نامه از بی دلیلی يك دلیل پوشالی، حالات مختلف بخود گرفته است. هر لحظه بشكلی بت هیوا جلوه گر شده است و آن مهمترین دلیلهای دادستان یعنی اقرار صریح متهمین است. ما واضح می‌نماییم كه این اقرار صریح كه همه جا ذكر شده است، ۸۴ درصد كذب محض است.

xalvat.com

۴- ما وقوه ملی

هیئت حاضر بخوبی میدانند كه متهمین عملی برگزیده اردن نمونه ملت ایران میباشند و هیچ‌كدام جز خدمت تاكثون عملی نكشیده و همواره مایه افتخارات ایران بوده اند و اگر ادعاهای دادستان محرز هم شود تازه باز هم همین دسته زنده بودن ملت ایران را ثابت نموده، مایه افتخار آن ملت شده، شمارا قوه قضائیه يك ملت زنده میسازند. پس رفتار آنها باید خیلی دقیق باشد. من در اینجا كه از خود دفاع می‌كنم غرض از من، خودم نبوده دفاع من كلی است و آنچه را كه را جمع به خود میگوینم كم و بیش برای دیگران نیز صادق است. واضح می‌نمایم اولامجرم نیستیم ثابا به علاوه خادم ملت ایران و توانكار نیز میباشیم (۱)

(۱) دكتر بهر دستورات پرونده پرداخت.

۶۶- هر ماهی را كه با آن كار می‌كنیم باید خوب بشناسیم. ما را زنده هستیم یا خرد سروکار داریم پس خود را شناختن برای هر كس ضروری است.